



## The Role of Iranians in the History of the Science of Recitation (*Qira't*) until the 9th Century A.H.\*



Mustafa Foroutan Tanha <sup>۱</sup>

### Abstract

Research on the role of different nations in Islamic sciences is of special importance, especially for that nation itself. Throughout the history of Islam, Iranians have provided many scientific services to various Islamic sciences such as Hadith, Tafsir, Arabic literature, etc. This article with the descriptive-analytical method and by collecting information by library method, seeks to answer the question of what role Iranians played in the science of recitation (*Qira't*) and its ups and downs during the First nine centuries (from the beginning of Islam to the revival of the science of recitation (*Qira't*) by Ibn Jazari, a century and a half after the Mongol attack)? The history of recitation (*Qira't*) in Iran before Islam, the first Iranian teachers of Quranic recitations (*Qira'at*), the geographical distribution and canvases of Iranian recitation (*Qira't*) masters, the presence of Iranians among the seven reciters, the reactions of Iranian scholars to the choice of the seven reciters by Ibn Mujahid and the foundation of the authority of recitations (*Qira'at*), are some of the issues that are discussed in this the article has been reviewed. Finally, it can be concluded that although Iranian reciters did not have a special role in the early stages of the formation of recitations (*Qira'at*), in the later stages, including in terms of existence among the seven reciters, and the rejection or development of the theory of seven reciters, they flourished and their active and fruitful presence can't be ignored. Also, the intellectual spirit of some Iranians prevented them from sticking to the recitation (*Qira't*) of a single reciter, thus they started to select and "choice" among the recitations. Finally, after the Mongol invasion, recitation (*Qira't*) circles in Iran faced a severe decline, and about a century and a half later, efforts to revive it began again.

**Keywords:** Recitation (*Qira't*), History of Recitations (*Qira'at*), Ibn Jazari, Iranian Reciters, Iran's Services to Islam.

---

\*. Date of receiving: August ۲, ۲۰۲۲, Date of approval: January ۲۱, ۲۰۲۳.

۱. Assistant Professor of Islamic Studies Department, Birjand University; mforoutan@birjand.ac.ir



## نقش ایرانیان در تاریخ علم قرائت تا قرن نهم هجری \*

مصطفی فروتن تنها\*\*



### چکیده

پژوهش در زمینه نقش ملل مختلف در علوم اسلامی، به‌خصوص برای خود آن ملت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایرانیان در طول تاریخ اسلام، خدمات علمی زیادی به علوم مختلف اسلامی از قبیل حدیث، تفسیر، ادبیات عرب و... داشته‌اند. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال است که ایرانیان چه نقشی در علم قرائت و فرازونشیب‌های آن در طول نه قرن نخست (از صدر اسلام تا احیاء مجدد علم قرائت توسط ابن جزری، یک‌ونیم قرن پس از حمله مغول) داشته‌اند؟ پیشنهاد قرائت در ایران پیش از اسلام، اولین اساتید ایرانی قرائت قرآنی، پراکندگی جغرافیایی و بوم‌های اساتید ایرانی قرائت، حضور ایرانیان در میان قاریان هفت‌گانه، واکنش‌های دانشمندان ایرانی به انتخاب قرائات سبعة از سوی ابن‌مجاهد و پایه‌گذاری اختیار قرائات، از مواردی هستند که در این مقاله بررسی شده‌اند. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگرچه قاریان ایرانی در مراحل اولیه شکل‌گیری قرائات، نقش خاصی نداشته‌اند اما در مراحل بعدی، از جمله از نظر وجود در میان قاریان هفت‌گانه، و رد یا توسعه نظریه قراء سبعة، شکوفا شده و حضور فعال و ثمربخشی داشته‌اند. همچنین، روحیه روشنفکرانه برخی ایرانیان آنان را از جمود بر قرائت یک قاری بازمی‌داشت بدین ترتیب رو به گزینش و «اختیار» از میان قرائات آوردند. در نهایت، پس از حمله مغول، محافل قرائت در ایران با افول شدیدی روبه‌رو شد و حدود یک‌ونیم قرن بعد، مجدداً تلاش‌هایی برای احیای آن آغاز شد.

**واژگان کلیدی:** قرائت، تاریخ قرائات، ابن جزری، قاریان ایرانی، خدمات ایران به اسلام.

\*\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱.

\*\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه بیرجند، ایران؛ (mf.routan@birjand.ac.ir).

## مقدمه

«قرائت» یکی از علوم بسیار با سابقه اسلامی است که می‌توان گفت از قرن چهارم به عنوان یک علم مستقل، شناخته شده است. این علم در طول تاریخ اسلام با فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده و این روند تا امروز نیز ادامه دارد.

ایران یکی از اولین سرزمین‌ها پس از حجاز است که اسلام به آن راه یافته است. خدمات فراوانی از سوی ایرانیان به اسلام شده و بسیاری از دانشمندان مسلمان، ملیت ایرانی داشته‌اند. در علم حدیث، صاحبان برخی از صحاح اهل سنت، ایرانی‌الاصل بوده‌اند. بخاری (د ۲۵۶ق) صاحب صحیح، اهل بخارا در ماوراءالنهر در شمال شرقی ایران بزرگ، نسائی (د ۳۰۳ق) صاحب سنن، منسوب به نسا از شهرهای خراسان (سمعانی، الانساب، ۱۳۸۲: ۴۸/۱۳) و ابن ماجه (د ۲۷۳ق) صاحب سنن، اهل قزوین است. از سوی دیگر، تمام صاحبان کتب اربعه شیعه، ایرانی هستند. شیخ صدوق، اهل قم، و شیخ طوسی نیز ایرانی‌الاصل ولی ساکن بغداد و نجف، و کلینی صاحب کافی، اهل ری بوده‌اند. در علوم دیگر مانند لغت و ادبیات عرب نیز می‌توان از سیبویه (د. ۱۸۰ق) یاد کرد که نام او به خوبی گویای ایرانی بودن وی است. او متولد بیضا واقع در فارس است. علی بن حمزه کسائی (د. ۱۸۹ق) و فرآء نحوی (د. ۲۰۷ق) اهل کوفه و ابو علی فارسی (د. ۳۷۷ق) نیز ایرانی و متولد فسا در استان فارس کنونی بوده‌اند (ابن ندیم، بی تا، ۴۴، ۹۸؛ حموی، ۱۹۹۳: ۸۱۱/۲؛ مطهری، ۱۳۹۰: ۴۴۳). استاد مطهری بر این باور است که خدمات ایرانیان به زبان عربی، حتی بیش از خود عرب‌ها، و خیلی بیشتر از خدمت این مردم به زبان فارسی بوده است. البته این خدمت، به سبب این بود که زبان عربی را زبان قرآن و زبان بین‌المللی اسلامی می‌دانستند (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۴۰).



با توجه به سابقه درخشان ایرانیان در علم حدیث، لغت و ادبیات عرب، این سؤال مطرح می‌شود که ایرانیان در علم قرائت قرآن چه جایگاهی داشته‌اند؟ و در چه حوزه‌ها، بوم‌ها و موضوعاتی حول قرائات قرآنی، نقش‌آفرینی کرده‌اند؟

در پاسخ به این سؤال، مطالب پراکنده‌ای درباره نقش ایرانیان در کتب مختلف مربوط به علوم قرآنی و قرائات دیده می‌شود. برخی مقالات به صورت مختصر و بدون نگاه جامع در این زمینه نوشته شده‌اند. مقاله «کتاب ارغوانی، نگاهی به جایگاه ایرانیان در علم قرائت، تفسیر و حدیث» نوشته مهدی یاراحمدی و محمدزمان خدایی (مجله معرفت، سال بیستم، ش ۱۶۴، مرداد ۱۳۹۰، صص ۱۱۵-۱۲۹) و مقاله «علم قرائت و حدیث میان ایرانیان در سده های نخست» نوشته عنایت‌الله فاتحی نژاد (مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۳۸، پاییز ۱۳۸۵، صص ۱۲۱-۱۲۹). احمد پاکتچی ذیل یکی از فصول کتاب تاریخ جامع ایران با عنوان «تاریخ علوم قرآن و حدیث در ایران»، متمرکزتر و گسترده‌تر از دیگران، تاریخ قرائات در ایران را بررسی کرده است. همچنین به تناسب بحث از شخصیت‌ها و بوم‌های مختلف ایران، اشاراتی به نقش ایرانیان در علم قرائت قرآن شده است؛ اما باید گفت: جای خالی تحقیقی که ابعاد مختلف نقش ایرانیان در این قضیه را به صورت منسجم و تقریباً جامع بیان کند، خالی است. مقاله پیش رو با چنین هدفی نگاشته شده و به نه قرن ابتدایی (تا زمان احیاء مجدد علم قرائت توسط ابن جزری (د. ۸۳۳ق)) یک و نیم قرن پس از حمله مغول) محدود شده است. در این راستا، به شیوه توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، ابتدا تاریخچه مختصر و کلی علم قرائت تا ابتدای قرن نهم هجری مطرح می‌شود تا فضای کلی تاریخ این علم در ذهن نقش بندد و سپس، به ابعاد نقش ایرانیان در این علم می‌پردازد.

## الف. تاریخ مختصر علم قرائت

تاریخ علم قرائت را می‌توان به چهار دوره تقسیم نمود:

## ۱. زمینه‌های پیدایش (قرن اول)

ویژگی‌های خط عربی صدر اسلام، انتقال شفاهی قرآن در کنار انتقال مکتوب آن را ضروری می‌ساخت. همین ضرورت باعث شکل‌گیری سنت حفظ و قرائت قرآن و انتقال سینه به سینه آن شد (در این باره نک: دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۹۹۷: ۲؛ زرقانی، ۱۳۶۸: ۳۹۹/۱). در این دوره، قرائات وجود داشتند اما به مانند بسیاری از علوم اسلامی دیگر، هنوز به عنوان یک علم مستقل مطرح نشده بودند.

## ۲. عصر قراء و شکل‌گیری قرائات (قرون ۲ و ۳)

در قرون دوم و سوم هجری، علوم مختلفی از قبیل فقه، تفسیر، کلام، اخلاق و تصوف شکل گرفتند و علم قرائت نیز از این قضیه مستثنی نبود. در اواخر این دوره، قرائاتی که از قرن اول بر جای مانده بود، به تدریج تدوین شده، رو به منسجم شدن و مضبوط شدن رفتند. در همین دوره، کتاب‌هایی تألیف شد که تعداد زیادی از قرائات آن عصر را در خود جای داده بود (برای نمونه نک: ابن ندیم، بی تا، ۸۷، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۱؛ ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۴/۱-۳۳). قراء سبعة، متعلق به همین دوره بوده‌اند.

## ۳. عصر گزینش و شکل‌گیری علم قرائت (قرون ۴ و ۵)

قرون چهارم و پنجم هجری برای همه علوم اسلامی قرون ویژه‌ای بود. این دوره را می‌توان عصر شکل‌گیری علم قرائت دانست. در این دوران، گروهی از دانشمندان قرائت در پی مضبوط و محدود کردن قرائات برآمدند تا از تشتت در این زمینه جلوگیری کنند. البته در همین زمان جریان دیگری نیز وجود داشت که مخالف این محدودسازی بود. ابوبکر بن مجاهد (د ۳۲۴ق) در بغداد در رأس جریان محدودسازی قرائات قرار داشت و هم‌زمان با وی، ابوبکر ابن مقسم عطار (د ۳۵۴ق) و ابن شنبوذ (د ۳۲۷ق)، مخالف قواعد سخت‌گیرانه وی و به دنبال پذیرش قرائات بیشتری بودند (نک: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۹۶/۱، ۲۰۴-۲۰۳). جریانی که ابن مجاهد رهبری آن را بر عهده داشت، سرانجام به عنوان جریان پیروز مطرح شد. هفت قاری منتخب ابن مجاهد، مورد پسند دیگران واقع



شدند و پس از او نیز در طول تاریخ قرائات مورد توجه ویژه قرار گرفتند (نک: پاکتچی، ۱۳۸۳: ۳۱۶/۱۲). وی در این مورد به مراکز توجه کرد که عثمان، مصاحفی به آن نقاط ارسال کرده بود (معارف، ۱۳۷۷: ۲۳). انتخاب‌های دیگر، مانند قرائات هشت‌گانه و ده‌گانه و... که توسط دیگر دانشمندان صورت گرفت، چندان مورد استقبال واقع نشد (برای نمونه درباره تقسیم هشت‌گانه ابن جبیر مقری نک: قیسی، ۱۳۷۹: ۹۰).

#### ۴. عصر تکرار (قرن ۵ به بعد)

علم قرائت از قرن پنجم به بعد تقریباً با یک رکود مواجه شد. البته برخی آثار مهم مانند «التیسیر فی القرائات السبع» ابو عمرو دانی (د ۴۴۴ق) در همین دوره نوشته شد. در پایان قرن ۶ و آغاز قرن ۷، مغول‌ها به بسیاری از سرزمین‌های اسلامی حمله کردند و ایران و برخی مناطق پهناور دیگر اسلامی را به تصرف خود درآوردند. این تهاجم، صدمات جبران‌ناپذیری را به فرهنگ و علوم اسلامی وارد کرد اما مسلمانان سعی کردند خود را بازیابند. علومی که مبتنی بر نقل بودند، پس از حمله مغول از بین رفتند ولی علومی که مبتنی بر عقل بودند پس از مدتی رکود، دوباره جان گرفتند. با توجه به اهمیت پیوستگی حلقات در علوم نقلی، محافل علم قرائت در ایران - که قبل از حمله مغول فعال بودند - پس از این حمله، از بین رفته و شاخه‌های نقلی علوم اسلامی عموماً در جاهایی باقی ماند که از این حمله مصون مانده بودند (در مورد مکتب قرائی بغداد، نک: پاکتچی، ۱۳۸۳: ۳۱۷/۱۲؛ برای دیدن تأثیر حمله مغول بر علم تفسیر قرآن نک: معرفت، ۱۳۷۹: ۴۴۷/۲-۴۴۶). به این ترتیب این نیاز احساس می‌شد که قرائت - به عنوان یک علم نقلی - باید به گذشته خود پیوند بخورد تا پیوستگی آن حفظ شود. در نتیجه «ابن جزری» (د. ۸۳۳ق) از دمشق (سخاوی، بی‌تا، ۲۵۵/۹-۲۵۶) ظهور کرد و برای اینکه دنیای اسلام را به گذشته‌اش پیوند دهد، در علوم قرائت دست به تألیف «النشر فی القرائات العشر» و «غایة النهایة فی طبقات القراء» زد.

## ب. نقش دانشمندان ایرانی در تاریخ قرائات

ایرانیان در دوره‌های پیش از اسلام و پس از آن در قرائت متون پیشینه دارند که در این بخش به بررسی نقش دانشمندان ایرانی در قرائات پرداخته می‌شود.

### ۱. قرائت متون مقدس در ایران پیش از اسلام

ایرانیان همان‌طور که در دوره اسلامی در پیشبرد قرائات قرآنی نقش داشته‌اند، پیش از اسلام نیز با چنین علومی آشنا بوده‌اند. از چندین قرن پیش از میلاد مسیح ع، در ایران و هند، ادعیه و سرودهای مذهبی را با زمزمه و با علاقه‌مندی بسیار می‌آموختند؛ زیرا عقیده داشتند که اگر سخنان مقدس با تلفظ صحیح قدیمی و زیبایی خود ادا نشود تأثیری ندارد. این عقیده و عادات به همان روش دیرینه خود در کنار بتکده‌ها و صحن معابد معمول است. حتی پیش از اسلام در ایران، علاوه بر علم تجوید، حروف مخصوصی برای ضبط زمزمه یا قرائت کتب مذهبی وجود داشته است. تجوید را می‌توان اولین علمی دانست که که به تقلید عادات مذهبی قدیم به عربی ترجمه شده است. حتی نقل شده، در زمان حجاج بن یوسف، اختلافات خونینی میان مسلمانان در در عراق در قرائت آیات قرآنی پیدا شد. وی برای جلوگیری از اختلافات، از کاتبان ایرانی خود کمک گرفت. بر این اساس، می‌توان چنین گفت که مسلمانان با سوابقی که از کتب دینی باستانی داشتند در تقسیم و تنظیم آهنگی آیات و نقل و تعریب اصطلاحات، خدمت شایانی انجام دادند (زرقانی، ۱۳۶۸: ۴۰/۱-۳۹۹؛ بهروز، ۱۳۶۳: ۲۸-۲۶).

### ۲. اولین قاریان ایرانی در صدر اسلام

پس از آنکه مختصری از تاریخ علم قرائت تا ابتدای قرن نهم بیان شد، نگاهی مجدد به این تاریخ، با تأکید ویژه بر دانشمندان ایرانی شود. در زمان شکل‌گیری قرائت قاریان گوناگون در مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام، یعنی سده‌های ۲ و ۳ قمری، این زمینه برای سرزمین‌های شرقی اسلامی مثل ایران به وجود



نیامد که گونه‌ای از قرائت بومی در آن شکل گیرد. گرچه ایران از میدان رقابت میان قرائات بوم‌های پنج‌گانه به دور بوده، اما حتی در این دوره نیز ایرانیان بدون نقش نبوده‌اند (پاکتچی، ۱۳۸۰: ۶۵۶/۱۰).

زمانی که سخن از نقش ایرانیان در علوم مختلف اسلامی پیش می‌آید، معمولاً نام سلمان فارسی به ذهن می‌آید و این احتمال که او به‌عنوان اولین صحابه جلیل‌القدر ایرانی پیامبر ص، باید نقشی در انتقال این علوم به ایرانیان داشته باشد؛ اما در مورد علم قرائت، چنین احتمالی را نباید در مورد سلمان پذیرفت. قرائت قرآن با توجه به عربی بودن آن، نیازمند آشنایی ویژه و قابل توجه با زبان عربی و قواعد تلفظ و تجوید و ادبیات عرب است. سلمان تازه مسلمانی بود که زبان مادری او، فارسی بوده و به احتمال قوی، چنان آشنایی با زبان عربی و قرائت نداشته که بتواند به‌عنوان یک استاد و فرد برجسته در زمینه قرائت مطرح شود. طبیعی است که در میان صحابه عرب‌زبان پیامبر ص، افرادی بودند که در این زمینه، بسیار برتر از سلمان باشند؛ در نتیجه نباید انتظار مطرح شدن او را داشت. البته لزوماً فارسی‌زبان بودن دلیل بر عدم توانایی بالقوه برای مطرح شدن در قرائت قرآن نیست؛ چرا که بسیاری از دانشمندان علم قرائت و نیز بسیاری از قاریان ایرانی‌الاصل در طول تاریخ اسلام بوده‌اند که به‌دلیل ممارست بر یادگیری، جزء برجسته‌ترین قاریان و دانشمندان علم قرائت شده‌اند.

یحیی بن وثاب اسدی (د ۱۰۳ق)، از اساتید اعمش و از مقریان متقدم اهل کوفه است. ابو محمد بن حیان اصفهانی می‌گوید: وی اهل کاشان بوده و با ابن عباس ارتباط داشته است (معرفت، ۱۴۲۵: ۱۸۵/۲). یحیی بن وثاب را می‌توان از متقدم‌ترین ایرانیان در تاریخ علم قرائت دانست.

سلیمان بن مهران اعمش (د ۱۴۸ق) قاری ایرانی‌الاصلی بود که در کوفه می‌زیست. وی اصالتاً اهل ری بوده است. افراد مشهوری همچون سعید بن جبیر، یحیی بن وثاب، زر بن حبیش و ابراهیم نخعی از جمله استادان وی بوده‌اند. حمزه زیات که یکی از قاریان هفت‌گانه است، شاگرد وی بوده است. گفته شده که او آگاه‌ترین افراد به قرائت ابن مسعود



بوده است. البته با وجود اختلافاتی که در روایت یاران ابن مسعود از قرائت استاد خود وجود داشته است، قرائت اعمش را باید گزینشی از میان قرائات منتسب به ابن مسعود تلقی کرد و همین ویژگی است که آن را از صورت یک روایت صرف خارج کرده و انتساب این قرائت به اعمش را موجه ساخته است (ذهبی، ۱۴۱۶: ۱/۲۱۴-۲۱۷؛ پاکتچی، ۱۳۷۹: ۴۰۳/۹).

### ۳. پراکندگی جغرافیایی قاریان ایرانی

از خلال کتب مختلف طبقات القراء و تاریخ قرائات می‌توان پراکندگی جغرافیایی قاریان ایرانی را استخراج کرد. کتاب «غایة النهایة» ابن الجزری، منبع خوبی برای یافتن قاریان ایرانی تا ابتدای قرن نهم هجری است که می‌توان آن را به عنوان پایه تحقیق قرار داده، اطلاعات سایر منابع را به آن اضافه نمود. در میان کلیه کسانی که در این کتاب از آن‌ها نام برده شده، شمار زیادی از مقریان ایرانی معرفی شده که در نقاط مختلفی از ایران حضور داشته‌اند.

اصفهان، خراسان، فارس و ری جزء مناطقی از ایران بوده‌اند که در طول نه قرن نخست هجری، قاریان متعددی را پرورده بودند. تقریباً بیشترین قاریان ایرانی در این دوره، اهل اصفهان بوده و خراسانی‌ها، بالخصوص نیشابوری‌ها در رتبه بعد قرار دارند. در فارس (شیراز) و ری، نیز تعداد قابل توجهی از قاریان را می‌توان یافت. سایر نقاط ایران مانند مناطق شمالی، از جمله طبرستان و گرگان، مناطق شمال غربی، مانند تبریز، مناطق غربی، مثل سوسنگرد، شوشتر، اهواز و آبادان، گرچه قاریانی را در خود جای داده بودند اما تعداد آن‌ها بسیار کمتر از دیگر مناطق بوده است. به طور کلی مرو، طوس، نیشابور، بلخ، نسا، بخارا، خراسان، سمرقند، سرخس، دینور، خوارزم، همدان، سوسنگرد، شوشتر، اندراب، اهواز، هرات، ترمذ، شوش، یزد، قزوین، آبادان، کرمان، تبریز، طبرستان، گرگان و سجستان، در طول نه قرن نخست هجری، موطن مقریان ایرانی بوده‌اند (نک: ابن جزری،



۱۳۵۱: سراسر کتاب، برای نمونه: ۱/۱۴۵، ۲۰۷، ۳۵۲؛ ۲/۱۳۲، ۴۰۳، ۴۰۸). در برخی کتب حدیثی کهن، به وجود مراکز و مجالس قرائت در ری و نیشابور در اوایل قرن ۴ اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/۲۸۲). البته این افراد گرایش‌های مختلفی در مورد قرائات و پذیرش یا عدم پذیرش قرائات سبع یا شاذ و... داشته‌اند که در جای خود قابل بحث است.

ایرانیان در سرزمین‌های اسلامی خارج از ایران نیز حضور فعالی داشته‌اند که در این میان، برخی شهرها شاهد حضور پررنگ و مداوم قاریان برجسته ایرانی الاصل بوده است. مثلاً در چند طبقه پشت سر هم، یحیی بن وثاب، عاصم، اعمش، حمزه و کسایی، به‌عنوان امام قاریان کوفه حضور دارند.

#### ۴. اصحاب اختیار

از رویکردهای قابل اعتنا در تاریخ قرائات می‌توان به پدید آمدن افرادی اشاره کرد که به «اصحاب اختیار» معروف شدند. اصحاب اختیار، کسانی بودند که خودشان صاحب قرائتی خاص نبودند، اما از قرائات موجود - با توجه به ضوابطی که مد نظر داشتند - گزینش و انتخاب کرده و بدین ترتیب، قرائتی جدید به‌دست می‌دادند که بعداً به‌عنوان قرائت همین فرد نامیده می‌شد (نک: قیسی، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۹). به عبارت دیگر اصحاب اختیار را می‌توان افرادی نامید که ضابطه‌محور عمل می‌کردند نه قاری‌محور.

نکته قابل توجه در مورد اختیار در قرائات این است که اجتهاد این قراء در رابطه با وضع و تأسیس قرائات نبوده است بلکه اجتهاد آن‌ها در جهت گزینش و انتخاب روایت، مبذول می‌گشت. بدین ترتیب که آن‌ها از میان قرائات مشهور موجود در عصر خود، دست به گزینش بهترین‌ها می‌زدند و بی‌توجه به نقل نبودند. میان اجتهاد در انتخاب روایت از یک سو، و اجتهاد در وضع و تأسیس قرائات از سوی دیگر تفاوت است (فضلی، ۱۳۷۸: ۱۳۸).

گزینش و اختیار قرائات از نیمه دوم قرن اول هجری از سوی برخی قاریان آغاز شد (فضلی، ۱۳۷۸: ۳۸). احتمالاً ایرانیان بنیان‌گذاران این شیوه از برخورد با قرائات بوده‌اند (پاکتچی، ۱۳۸۰: ۶۵۶/۱۰). مقدسی در لیستی که از قرائت‌های متداول در قرن چهارم ارائه می‌دهد، چهار قاری را معرفی می‌کند که همه آن‌ها جزء اصحاب اختیار محسوب می‌شوند. این افراد عبارتند از: یعقوب حضرمی، ابو عبید، ابو حاتم و اعمش (مقدسی، ۱۴۱۱: ۳۹). از میان این افراد، ابو عبید و ابوحاتم، ایرانی بوده و اعمش نیز اصالت ایرانی داشته است (طبری، ۱۹۶۷: ۶۵۲/۱۱؛ سمعانی، ۱۳۸۲: ۳۲/۱۱). این امر، گویای این مطلب است که ایرانیان بر خلاف سایر بلاد اسلامی که به قرائات علاقه داشتند، به اختیارها علاقه نشان می‌دادند. از جمله شخصیت‌های برجسته دانشمندان ایرانی که چنین رویکردی داشتند، می‌توان از ابو عبید قاسم بن سلام (د ۲۲۴ق) (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۱۷/۲-۱۸)، محمد بن عیسی اصفهانی (د ۲۵۳ق) (همان، ۲۲۳/۲-۲۲۴) و ابو حاتم سجستانی (د ۲۵۵ق) (همان، ۳۲۰/۱) یاد کرد.

اصحاب اختیار، یا اساساً ایرانی بوده‌اند یا در مناطقی از عراق حضور داشته‌اند که تحت نفوذ فکری ایرانیان بوده‌اند. آن‌ها این روحیه را نداشتند که یک قرائت را سر بسته بپذیرند. بر اساس این رویکرد، قرائت هیچ بومی به صورت کلی و بدون توجه به جزئیات و موارد خاص، تأیید نمی‌شود و قاری به جای اینکه قرائتی جدید از آن خود ارائه کند، به گزینش بهترین گزینه‌ها از قرائات موجود می‌پرداخت (در این باره نک: پاکتچی، ۱۳۸۰: ۲۰۰/۱۴-۲۰۲).

## ۵. ایرانیان و تدوین قرائات

از اوایل سده سوم هجری که باب تدوین قرائات گشوده شد، ایرانیان از پیشگامان در این امر بوده‌اند، چنانکه بنا بر گزارش‌های تاریخی، اولین کسی که به ضبط قرائات صحیح و جمع آن‌ها در کتابی مفصل و مبسوط، همت گماشت ابو عبید قاسم بن سلام (د ۲۲۴ق)



بوده است. (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۴/۱؛ معرفت، ۱۳۷۸: ۲۲۴-۲۲۵) وی بنا به نقل ابن جزری، قرائت ۲۵ قاری را در کتاب خود آورده است (همان جا). البته برخی این نظر را مردود دانسته و معتقدند حمزه بن حبيب که شیعه و از قراء سبعة است و در حدود یک قرن قبل از او می زیسته، پیش از او دست به تألیف کتاب در فن قرائت زده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷: ۱۱۵). پس از قاسم بن سلام نیز دیگر عالمان ایرانی مانند ابو حاتم سجستانی، ابن قتیبه دینوری، فضل بن شاذان رازی و طبری (د ۳۱۰ق) - در کتاب الجامع - هر کدام نزدیک به ۳۰ قرائت را گرد آوردند (ابن ندیم، بی تا، ۵۳؛ ابن جزری، ۱۳۵۱: ۳۴-۳۳، ۳۷). طبری پیش از شهرت یافتن نظام قرائات سبعة، قرائات متعددی را در تفسیر خود، «جامع البیان» ذکر و پس از نقد و بررسی، از میان آنها دست به اختیار زده است. وی همچنین تألیفی با عنوان «کتاب القرائات» داشته است (طبری، ۱۴۲۲: ۱۵۰/۱). به نظر می رسد این کتاب، همان کتاب عظیمی است که ۱۸ جلد داشته و شامل قرائات مشهور و شاذ و تعلیل و شرح و اختیار از میان آنها بوده است (حموی، ۱۹۹۳: ۲۴۴/۶). او ایرانی و متولد آمل است (ابن ندیم، بی تا، ۳۲۶).

#### ۵/۱. قاریان ایرانی در میان قراء سبعة

ابن مجاهد، در اوایل سده چهارم در بغداد، هفت قاری را از میان قراء مختلف انتخاب کرده که به قراء سبعة مشهورند. وی نافع (د. ۱۶۹ق) را از مدینه، ابن کثیر (د. ۱۲۰ق) را از مکه، ابو عمرو (د. ۱۵۴ق) را از بصره، ابن عامر (د. ۱۱۸ق) را از شام، و عاصم (د. ۱۲۹ق)، حمزه (د. ۱۵۴ یا ۱۵۸ق) و کسائی (د. ۱۸۹ق) را از کوفه انتخاب کرد (قیسی، ۱۳۷۹: ۸۷).

اولین نکته آن است که پنج نفر از هفت قاری منتخب ابن مجاهد، یعنی همه آنها به جز ابن عامر و ابو عمرو، غیر عرب هستند. ابن عامر، مجهول النسب و ابو عمرو از قبیله مازن تمیم است ولی قاضی اسد یزیدی می گوید: «او از فارس شیراز، از روستای کازرون برخاسته است.» ابن کثیر و نافع هم اهل فارس هستند (معرفت، ۱۳۷۸: ۱۹۱). نافع، اصفهانی الاصل است (ذهبی، ۱۴۱۶: ۲۴۱/۱). در مورد ابن کثیر گفته شده که اصلاً ایرانی

بوده است (همان، ۱۹۷/۱). ابوالحسن بزی (د. ۲۵۰ق) نیز که یکی از راویان ابن کثیر و ایرانی الاصل بوده است (ابن جزى غرناطی، ۱۴۱۶: ۵۳/۱). کسائی نیز تباری ایرانی داشته است (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۵۳۵/۱). این مطلب، حضور پررنگ ایرانیان در تألیف صحاح سته اهل سنت و کتب اربعه شیعه را به یاد می آورد و نقش پررنگ آنان در تاریخ اسلام را بار دیگر مطرح می کند.

## ۵/۲. موضع ایرانیان نسبت به کار ابن مجاهد

نکته بعدی که در مورد کار ابن مجاهد قابل طرح است، واکنش شدید برخی دانشمندان ایرانی معاصر وی به این قضیه است. کار ابن مجاهد باعث شد که قرائت هفت قاری برگزیده وی، به عنوان قرائات متواتر، مشهور شده و سایر قرائات جزء شواذ قرار گرفتند. او تنها به نوشتن کتاب «السبعة» اکتفا نکرد بلکه کتاب «الشواذ» را نیز نوشت و تقسیم بندی او، به عنوان مدار و محوری برای بررسی و تعیین قرائات شاذ و صحیح در آمد (فضلی، ۱۳۷۸: ۵۷). همین مسأله حساسیت برخی ایرانیان را برانگیخت، همان گونه که برخی غیر ایرانیان به این کار اعتراض کردند. در ایران سعی می شد حصار عدد «هفت» شکسته شود. از عالمان ایرانی معاصر ابن مجاهد، تنها می توان از یک عالم امامی کرمان به نام محمد بن بحر رهنی (د حدود ۳۳۰ق) نام برد که در این باره موضع گیری کرده است. آثار محمد بن بحر به دست ما نرسیده اما از نقل قول هایی که از او در لابلاي کتب دیگر شده، می توان فهمید که با محدود کردن قرائات به هفت قاری، به شدت مخالف بوده است (ابن طاووس، بی تا، ۲۲۷؛ پاکتچی، ۱۳۸۰: ۶۵۶/۱۰). البته در نیمه دوم همان سده، برخی از عالمان ایرانی چون ابن خالویه (د ۳۷۰ق) و ابو علی فارسی (د ۳۷۷ق) تحت تأثیر فضای عراق نسبت به قرائات سبع گرایش نشان داده و مطالعاتی در این زمینه صورت داده اند. عنوان کتاب ابن خالویه، یعنی «الحجة فی القرائات السبع» و نیز عنوان کتاب ابو علی فارسی، «الحجة للقرء السبعة» به خوبی گویای این مطلب است که آن ها در پی تأیید و تبیین و توسعه کار ابن مجاهد بوده اند.



همان‌طور که دیدیم، در زمان حیات ابن‌مجاهد، نظریه جایگزینی مطرح نشد و تنها انتقاداتی به نظریه او وارد می‌شد، ولی حدود ۵۰ سال بعد از او، نظریات جایگزینی در ایران مطرح شدند. ابن‌مهران نیشابوری (د ۳۸۱ق) در خراسان، با محدود کردن قرائات به عددی خاص مخالفت داشت و معتقد بود که هر قرائتی باید بر اساس ضوابط به نقد نهاده شود و در صورت ضابطه‌مندی، به‌عنوان قرائتی معتبر پذیرفته شود (پاکتچی، ۱۳۸۰: ۶۵۶/۱۰). ابن‌مهران، ضوابط سه‌گانه ابن‌مجاهد را می‌پذیرفت اما قبول نمی‌کرد که خود را به قراء سبعة محدود کند. به همین دلیل برای شکستن طلسم هفت قرائت (نک. پاکتچی، ۱۳۷۰: ۷۱۲/۴)، نظریه قرائات ثمان را مطرح کرد. سپس در کتاب «المبسوط»، قرائات عشر و در «الغایه»، قرائات یازده‌گانه را مطرح نمود. تعالیم ابن‌مهران، به زودی توسط برخی از مقریان ایرانی از جمله ابوالکرم شهرزوری (د ۵۵۰ق) و ابوالعلاء همدانی (د ۵۶۹ق) به عراق و سرزمین‌های غرب آن نیز راه یافت. (نک: ابن‌جزری، بی‌تا، ۸۷/۱، ۹۰-۹۳). در قرون ۵ و ۶، بغداد یکی از مراکز تدوین کتاب‌های مقایسه‌ای قرائت در عرض مراکز خراسان، شام، مصر و مغرب بود. اندیشه‌های خراسانی در تضعیف نظریه قرائات سبع، حدود نیم قرن پس از طرح آن توسط ابن‌مهران نیشابوری، به بغداد راه یافت و چنان در محافل قرائت این بوم تأثیر نهاد که در طی این دو سده، دیگر اثر مهمی در باب قرائات سبع، تالیف نشد (پاکتچی، ۱۳۸۳: ۳۱۷/۱۲).

از دیگر عالمان ایرانی که به نظر می‌رسد از مخالفان محدود کردن قرائات به هفت قاری بودند، نصر بن عبدالعزیز فارسی شیرازی (د ۴۶۱ق)، صاحب «الجامع فی القرائات العشر» است؛ چرا که به جای قرائات هفت‌گانه، درباره قرائات ده‌گانه کتاب نوشته است و یعقوب بن اسحاق حضرمی، خلف بن هشام و ابوجعفر یزید بن قعقاع را به قراء سبعة اضافه کرده است (معارف، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

## ۶. پس از حمله مغول

در پایان قرن ۶ و آغاز قرن ۷، مغول‌ها به سرزمین‌های اسلامی حمله کردند و ایران و برخی مناطق پهناور دیگر را به تصرف خود درآوردند. آنها قریب به سی سال، تمام شهرهای اسلامی را با خاک یکسان کرده، همه را از دم تیغ گذرانده و تمامی آثار فرهنگی از جمله کتابخانه‌ها را از میان برداشتند (جعفریان، ۱۳۸۸: ۶۵۲). حمله مغولان موجب انهدام مدارس و مراکز علمی و فرار علما گردید و باعث رکود شدیدی در علوم اسلامی شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۷۸/۱۲-۳۵۸). علم تفسیر از حرکت بازایستاد و بیشتر تفاسیر پس از این دوره، حالت تقلیدی به خود گرفت و تقریباً عاری از نوآوری شد (معرفت، ۱۳۷۹: ۴۴۶/۲). طبیعتاً علم قرائت نیز از این رکود، مستثنی نبود و به دنبال حمله مغول به خراسان در حدود ۶۱۶ق محافل علم قرائت در ایران، آسیبی شدید دیده و از آن پس، این دانش تنها در سطح محدودی در آموزش‌های دینی ایران برجای ماند (پاکتچی، ۱۳۸۰: ۶۵۶/۱۰-۶۵۷). مطالعه کتاب غایه النهایه نیز نشان می‌دهد تعداد قاریان ایرانی پس از حمله مغول، گرچه به صفر نرسیده اما کاهش بسیاری شدیدی داشته است (نک: سراسر کتاب). بازماندگان حوزه قرائت در ایران، پس از این حمله، به سرزمین‌های غرب ایران رو آوردند. برای نمونه می‌توان از محمد بن محمود طوسی، از حاملان تعالیم ابن مهران یاد کرد که در حدود سال ۶۲۰ق به دمشق مهاجرت کرد و همچنین به ابو عبدالله محمد بن حسن لرستانی (م ۶۲۵ق) اشاره کرد که راهی شام و مصر شد و در آنجا به فعالیت خود ادامه داد (ابن جزری، ۱۳۵۱: ۱۱۸/۲؛ پاکتچی، ۱۳۸۳: ۲۲۳/۱۴؛ نیز در این باره نک: ولایتی، ۱۳۸۷: ۳۰/۲). تنها استثنا در ایران، حوزه قرائی فارس بود که در طی حمله مغول، انقطاعی به خودش ندید. البته تقریباً پس از یک و نیم قرن رکود، بار دیگر از اواخر قرن ۸، با ظهور عالمانی همچون شمس‌الدین عبدالرحمن بن محمد اصفهانی (م ۷۶۸ق) و عثمان بن محمد بن شاه شرف هروی (م ۸۲۹ق) قرائت در خراسان، اصفهان و یزد رونق محدودی گرفت (در این باره نک: پاکتچی، ۱۳۸۳: ۲۲۴/۱۴). البته در میان عالمان غیر



ایرانی، نباید نقش پررنگ «ابن جزری» (د. ۸۳۳ق) عالم دمشق (سخاوی، بی تا، ۲۵۵/۹-۲۵۶) و تلاش او برای احیاء قرائات با تألیف «النشر فی القرائات العشر» و «غایة النهایة فی طبقات القراء» را فراموش کرد.

### نتیجه گیری

گرچه ایرانیان و قاریان ایرانی در مراحل اولیه شکل گیری قرائات، نقش خاصی نداشته اند اما در مراحل بعدی، از جمله در گزینش، تدوین و توسعه قرائات، حضور فعال و ثمربخشی داشته اند. خراسان، اصفهان و ری، از جمله مناطقی از ایران بوده اند که بیشترین قاری را در طول نه قرن نخست - در این سرزمین - در خود جای داده بودند. تعداد زیادی از قاریان هفت گانه، ایرانی هستند. از طرف دیگر، روحیه روشنفکرانه برخی ایرانیان آنان را از جمود بر قرائت یک قاری بازمی داشت. بدین ترتیب رو به گزینش و «اختیار» از میان قرائات آوردند. در مورد ابن مجاهد، برخی دانشمندان ایرانی به مخالفت شدید با نظریه قرائات سبعة وی برخاستند و برخی دیگر، رو به تأیید و توسعه نظریه او آوردند. در نهایت، محافل قرائت در ایران پس از حمله مغول، کاهش شدیدی یافت و حدود یک و نیم قرن بعد، مجدداً تلاش هایی برای احیای آن، در داخل و خارج ایران آغاز شد.



## فهرست منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵م.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القرائات العشر، به کوشش: علی محمد ضباع، مصر: مطبعة مصطفى محمد، بی تا.
۴. ابن جزری، محمد بن محمد، غایة النهایة فی طبقات القراء، به کوشش: برگشترسر، قاهره: ۱۳۵۱ق/۱۹۳۲م.
۵. ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: دار الارقم: ۱۴۱۶ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، سعد السعود، قم: دارالذخائر، بی تا.
۷. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۸. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ش.
۹. بهروز، ذبیح، دبیره، تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۶۳ش.
۱۰. پاکتچی، احمد، «ابن مهران»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، صص ۷۱۱-۷۱۳. ۱۳۷۰ش.
۱۱. پاکتچی، احمد، «اعمش»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، صص ۴۰۲-۴۰۴. ۱۳۷۹ش.



۱۲. پاکتچی، احمد، «ایران (علوم و معارف اسلامی: قرائت)»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیرنظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، صص ۶۵۶-۶۵۷، ۱۳۸۰ش.
۱۳. پاکتچی، احمد، «بغداد: علوم و معارف دینی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیرنظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، صص ۳۱۳-۳۳۲، ۱۳۸۳ش.
۱۴. پاکتچی، احمد، «تاریخ علوم قرآن و حدیث در ایران»، ذیل: تاریخ جامع ایران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ج ۱۴، صص ۲۲۸-۱۹۵، ۱۳۹۴ش.
۱۵. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران: علم، ۱۳۸۸ش.
۱۶. حجتی، سید محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۹ش.
۱۷. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، به کوشش: احسان عباس، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۳م.
۱۸. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۳م.
۱۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، به کوشش: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۲۰. دانی، عثمان بن سعید، المحکم فی نقط المصاحف، به کوشش: حسن عزه، بیروت: دار الفكر المعاصر، ۱۹۹۷م.

۲۱. ذهبی، محمد بن احمد، معرفة القراء الكبار على الطبقات و الأعصار، تحقيق: طيار  
آلتي قولاج، استانبول: مركز البحوث الاسلاميه لوقف لديانة التركي، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م.
۲۲. زرقاني، محمد عبدالعظيم، مناهل العرفان في علوم القرآن، بيروت: دار احياء التراث  
العربي، ۱۳۶۸ق.
۲۳. سخاوي، محمد بن عبدالرحمن، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، بيروت: دار مكتبة  
الحياة، بی تا.
۲۴. سمعاني، عبدالکريم بن محمد، الانساب، به کوشش: عبدالرحمن بن يحيى معلمی،  
حیدرآباد، مطبعة مجلس/دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۸۲ق.
۲۵. سیدی، محمد، «ابن خالویه»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی  
بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، صص ۴۰۳-۴۰۵.  
۱۳۷۴ش.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك (تاریخ الطبری)، به کوشش: محمد  
ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، چاپ دوم، ۱۹۶۷م.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری: جامع البیان عن تأویل آی القرآن، قاهره:  
هجر، ۱۴۲۲ق.
۲۸. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم: دفتر نشر نوید اسلام،  
۱۳۸۷ش.
۲۹. فضلی عبدالهادی، مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، نگارش و ترجمه: سید  
محمد باقر حجتی، تهران: انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۸ش.



۳۰. قیسی، مکی بن حموش، الأبانة عن معانی القرائات، به کوشش: عبدالفتاح اسماعیل شلبی، قاهره: دار نهضة مصر، ۱۳۷۹ق.
۳۱. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا، چاپ چهل و یکم، ۱۳۹۰ش.
۳۲. معارف، مجید، «مقدمه ای بر تاریخ اختلاف قرائت قرآن»، مقالات و بررسیها، دفتر ۶۳، صص ۷-۳۰، تابستان ۱۳۷۷.
۳۳. معارف، مجید، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، تهران: مؤسسه نبأ، ۱۳۸۳ش.
۳۴. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۵ق.
۳۵. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم: نشر تمهید، ۱۳۷۸ش.
۳۶. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، ترجمه: گروه مترجمان، قم: التمهید، ۱۳۷۹ش.
۳۷. مقدسی، محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، قاهره: مکتبه دبولى، چاپ سوم، ۱۴۱۱ق.
۳۸. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.

## Resources

١. Ahwazi, Abul Hassan bin Ali, Al-Awajiz, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, ٢٠٠٢.
٢. Alavi Mehr, Hossein, Introduction to the History of Exegesis and Interpreters, N.p.: Al-Mustafa University Publications, ٢٠٠٨.
٣. Al-Baz, Muhammad bin Abbas, Discussions in the Science of Al-Qira'at, Cairo: Dar al-Kalmah, ١٤٢٥ AH.
٤. Asa'adi, Muhammad et al., Pathology of Interpretive Currents, Qom: Research Institute of Hawzeh and University, ٢٠١٣.
٥. Damiati, Shahab al-Din, Itihaf Fazula al-Bashar fi al-Qira'at al-Araba'h Ashar, Research: Dr. Sha'ban Muhammad Ismail, Beirut: Alam al-Kutub, ١٤٠٧ AH.
٦. Dani, Abu Amr and Osman bin Sa'eed, al-Taysir fi Qira'at al-Sab', Edited by Otopertsel, Tehran: Jafari Tabrizi Bookshop, ١٩٨٢.
٧. Farsi, Abul Hassan bin Abd al-Ghaffar, Al-Hujjah li al-Qurra al-Saba'h, Damascus: Dar al-Mamoun li al-Turath, ١٤١٣ AH.
٨. Gonabadi, Sultan Muhammad, Bayan al-Sa'adah fi Maqamat al-Ibadah, Beirut: Al-A'lami Press Institute, ١٤٠٨ AH.
٩. Homayouni, Masoud, History of the Nimatullahiyah Chain in Iran, Tehran: Iranian School of Mysticism, ١٣٥٥ AH.
١٠. Ibn Athir, Majd al-Din, Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa Athar, ١<sup>st</sup> Edition, Damascus: Dar al-Fikr, ١٣٨٣ AH.
١١. Ibn Jazari, Muhammad bin Muhammad, Al-Nashr fi al-Qira'at al-Ashr, Research: Ali Muhammad al-Daba'a, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
١٢. Ibn Khalawayh, Al-Hujjah fi al-Q'raat al-Sab', Beirut: Al-Risalah Foundation, ١٤٢١ AH.
١٣. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, Lisan al-Arab, ٤<sup>th</sup> Edition, Beirut: Dar



al-Sadir, ۲۰۰۵.

۱۴. Ibn Mehran, Abu Bakr Ahmad bin Al-Hosseini, Al-Mabusut fi al-Qira'at al-Ashr, Research: Sabi Hamzah Hakimi, ۲<sup>nd</sup> Edition, Beirut: Dar al-Qiblah for Islamic Culture, ۱۴۰۸ AH.
۱۵. Ibn Mujahid, Ahmad bin Musa bin Abbas, Al-Saba'ah fi Al-Qira'at, Cairo: Al-Ma'arif, ۱۴۴۰ AH.
۱۶. Ibn Qayyim al-Jawziyyah, Muhammad bin Abi Bakr, Zad al-Ma'ad fi Huda Khair al-Ibad, ۷<sup>th</sup> Edition, Beirut: Al-Risalah Foundation, ۱۴۰۲ AH.
۱۷. Ibn Zanjalah, Abd al-Rahman bin Muhammad, Hujjah al-Qira'at, ۱<sup>st</sup> Edition, Beirut: Al-Risalah Foundation, ۱۴۰۲ AH.
۱۸. Ma'rifat, Muhammad Hadi, Munjid al-Muqrieen wa Murshid al-Talibin, Cairo: Maktabah Al-Qudsi, ۱۳۰۵ AH.
۱۹. Makki bin Abi Talib, Muhammad, Discovery of the Aspects of the Seven Readings and the Causes and Arguments, Research: Dr. Muhyiddin Ramadan, ۳<sup>rd</sup> Edition, Beirut: Al-Risalah Foundation, ۱۴۰۴ AH.
۲۰. Murtazavi, Seyyed Ibrahim and Seyyed Mahmoud Tayyib Hosseini, "Zamakhshari's View on Recitations", Quran Studies Quarterly, No. ۱۲, ۲۰۱۹.
۲۱. Qasimnejad, Zahra and Maryam Jidadi, "Measurement of Recitation and Its Authority Criteria from the Point of View of Ibn Shanbooz", Bi-Annual Scientific Journal of Quran Recitation Studies, Serial ۷, No. ۱۲, ۲۰۱۸.
۲۲. Raghīb Isfahani, Hossein bin Muhammad, Mufradat Alfaz al-Quran (Dictionary of Quranic Words), Beirut: Dar al-Qalam, ۱۴۱۲ AH.
۲۳. Rajabi, Mahmoud, The Method of Interpretation of the Quran, Qom: Research Institute of Hawzeh and University, ۲۰۱۳.
۲۴. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Textbooks and Interpretation Trends of the Quranic Exegesis, Qom: World Center for Islamic Sciences, ۲۰۰۳.
۲۵. Salim Mohaisin, Muhammad, Al-Muhazzab fi al-Qira'at al-Ashr, Egypt: Maktabah al-Kulliyat al-Azhariyyah, ۲<sup>nd</sup> Edition, ۱۴۱۷ AH.

۲۶. Suyuti, Jalaluddin, Al-Itqan fi Ulum al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran), Translator: Seyyed Mehdi Haeri Qazvini, Tehran: Amir Kabir, ۲۰۰۱.
۲۷. Tabandeh, Sultan Hossein, Genius of Science and Irfan, Tehran: Haqiqit, ۲۰۰۵.
۲۸. Tabari, Muhammad bin Jarir, Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۱۴۱۲ AH.
۲۹. Tabatabai, Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Qom: Jama'at al-Madrasin's Publications, ۱۴۱۷ AH.
۳۰. Zaqrug, Mahmoud Hamdi, Al-Masua'ah al-Quraniyyah al-Mutakhassisah (Functional Dictionary of Quran), Cairo: Ministry of Awqaf, ۱۴۲۳ AH.
۳۱. Zarkashi, Badr al-Din Muhammad bin Abdullah, al-Burhan fi Ulum al-Quran, Beirut: Dar El Ilm Lilmalayin, ۱۴۱۰ AH.
۳۲. Zarqani, Muhammad Abdulazim, Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (The Sources of Knowledge in Quranic Sciences), Translator: Mohsin Armin, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies, ۲۰۰۶.
۳۳. Zubeidi, Muhammad bin Muhammad, Taj al-Arus min Javahir al-Qamus, ۲<sup>nd</sup> Edition, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۱۴ AH.